خبر

حرکت لاک پشتی راهکار توسعه گلستان نیست

استاندار، راهکار توسعه گلستان را تمرکز بر رشد صد درصدی با همکاری فعالان اقتصادی بیان کرد و گفت: در طی این مسیر حرکت کُند و لاک پشتی راهگشا نیست. به گزارش ایرنا از اتاق بازرگانی گرگان سید مناف هاشمی در نشست با فعالان اقتصادی بخش خصوصی استان، اظهار کرد: امروز مسئولان دستگاه های اقتصادی، امنیتی و قضایی در کنار تولیدکنندگان و با هدف توسعه اقتصادی این خطه با آنان همراه بوده و نباید مشکلی برای بخش خصوصی ایجاد شود. وی با بیان اینکه حوزه صنعت، معدن و تجارت گلستان از ظرفیت خوبی برخوردار است، افزود: دولت بر خروج از تک قطبی بودن تاکید داشته و گلستان می تواند به قطب اقتصادی کشور تبدیل شود. استاندار گلستان بر رفع مشکلات فعالان بخش خصوصی در استان تاکید کرد و گفت: برخی مسائل نیز باید با رایزنی در سطح ملی حل شود. رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی گرگان هم گفت: تولید با شرایط سختی در حال انجام است و رفع قوانین مزاحم ضروری بوده و از نمایندگان مجلس شورای اسلامی درخواست می شود که قوانین مخالف تولید را اصلاح نمایند. علی محمد چوپانی اظهار کرد: با توجه به آمار ارائه شده توسط مدیران گلستان، فعالان بخش خصوصی باید خود را برای جذب ۷ هزار میلیارد ریال در حوزه صنعت استان آماده کنند. رییس دادگستری گلستان نیز گفت: تلاش همه باید در جهت توسعه اشتغال و تولید باشد و دستگاه قضایی تعطیلی واحدهای صنفی را تایید نکرده و با عوامل آن برخورد قانونی می شود. هادی هاشمیان افزود: گلستان به دلیل امن بودن، موقعیت جغرافیایی مناسب و فراهم بودن زیرساخت ها بهترین زمینه برای جذب سرمایه گذاری دارد. به گفته وی؛ اقوام مختلف پایه های این امنیت هستند.

جشنواره موسیقی تنها فرصتی است که هنرمندان دیده شوند

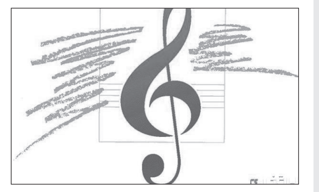

عضو هیئت مدیره انجمن موسیقی گلستان گفت: جشنواره موسیقی تنها فرصتی است که هنرمندان دیده شوند و به مسئولان و مردم اعلام کنند که راه خود را باقدرت ادامه خواهند داد. به گزارش مهر، حامد جنتی در اختتامیه جشنواره موسیقی آوای فجر گلستان، اظهار کرد: موسیقی گلستان بسیار غنی و دارای اساتید بزرگی است که در سطح کشور مشغول به فعالیت هستند. وی افزود: این جشنواره فرصتی بود تا هنرمندان و دستاندرکاران موسیقی معرفی شوند. عضو هیئت مدیره انجمن موسیقی گلستان اتحاد بین اساتید و هنرجویان را از موارد مورد نیاز استان دانست و گفت: وجود اتحاد باعث خواهد شد تا به یک هدف مشترک دست یابیم. وی حمایت مردم را از دیگر موارد مهم در بحث موسیقی اعلام کرد و افزود: هیچ هنری در جهان بدون حمایت و استقبال مردم شکوفا نشده و رشد نکرده است، مردم به عنوان حامیان واقعی هنر نقش بسیار مهمی بر عهده دارند. جنتی اظهار کرد: امسال سطح اجرا نسبت به سال گذشته بهتر بوده و استقبال خوبی از سوی مردم صورت گرفت.

فلامینگو مجروح و تیرخورده در گمیشان تیمارداری شد

رییس اداره حفاظت محیط زیست شهرستان های ترکمن و گمیشان از دستگیری شکارچیان ۲۰ قطعه پرنده چنگر در تالاب بین المللی گمیشان و تحویل یک فلامینگو مجروح به محیطبانان و تیمارداری آن خبر داد. به گزارش ایرنا، علی بیانی گفت: یکی از اهالی گمیشان و از حامیان محیط زیست؛ این فلامینگو مصدوم را تحویل داد، پای این پرنده براثر تیراندازی مجروح شده است. به گفته وی؛ این پرنده برای تیمارداری و درمان به اداره حیات وحش محیط زیست گلستان انتقال یافت. فلامینگو از پرندگان در معرض خطر انقراض است و سواحل دریاها، تالاب ها و رودخانه های بزرگ از زیستگاه های این گونه ارزشمند محسوب می شود. بیانی همچنین گفت: محیطبانان گمیشان در پهنه آبی تالاب بین المللی این شهرستان نیز ۲ صیاد متخلف را به همراه سلاح های شکاری آنان دستگیر و به مراجع قضایی معرفی کردند.

زمینه جذب سرمایه گذار خارجی فراهم نیست

رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت گلستان گفت: زمینه جذب سرمایه گذار خارجی در گلستان فراهم نیست. به گزارش مهر، حسینقلی قوانلو، ظهر یکشنبه در مراسم افتتاحیه جشنواره سالانه علمی سمنو و محصولات بر پایه مالت، اظهار کرد: کشور با مشکلات اقتصادی و اشتغال روبروست و یکی از راه‌حل‌های آن ارتباط صنعت و دانشگاه است. وی ادامه داد: برای رفع مشکلات ضرورتی برای سرمایه‌گذاری وجود دارد تا به رشد هشت درصدی که در برنامه ششم پیش بینی شده، دست یابیم. قوانلو به مشکلات اقتصادی کشور در زمان جنگ و بعد از آن اشاره کرد و گفت: سال‌های ۸۰ تا ۸۴ طلائی ترین زمان اقتصاد کشور بود که رشد اقتصادی به ۱۰ درصد رسید. وی بیان کرد: به طور میانگین سالانه یک میلیون جوان وارد بازار کار می‌شوند و باید برای آن‌ها سرمایه‌گذاری و اشتغال ایجاد کرد. رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان گلستان گفت: در سال ۹۵، تولید ناخالص کشور ۱۲ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان بود که این رقم در سال ۹۶ به ۱۴ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان می‌رسد. قوانلو بیان کرد: برای رسیدن به رشد اقتصادی رقم‌های بزرگی لازم است که تنها با فعال کردن سرمایه‌گذاری خارجی محقق می‌شود. وی گفت: نرخ بیکاری استان ۶/۱۲ است و باید در سال ۹۶، حدود ۲۰ هزار شغل ایجاد می‌کردیم که نرخ بیکاری را ثابت نگه داریم. قوانلو با بیان این‌که هنوز زمینه جذب سرمایه‌گذار خارجی فراهم نیست، اظهار کرد: برخی از قوانین دست و پا گیر هم چون استعلام‌ها مانع این کار هستند. رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان گلستان با اشاره به این‌که دانشگاه باید برای بحران اشتغال راه حل پیشنهاد دهد، ادامه داد: یکی از راه حل معضلات اشتغال، استفاده از ظرفیت‌های بومی است که برگزاری این جشنواره یکی از آن‌هاست. قوانلو با بیان این‌که ۱۰ درصد گندم کشور در گلستان تولید می‌شود، افزود: سرعت تغییرات در جهان بالا است و ما برای این‌که از بقیه عقب نمانیم لازم است که شتاب بیشتری به کارها دهیم و یکی از راه‌ها کارآفرینی در دانشگاه است. وی با بیان این‌که ۴۶ درصد صنایع گلستان در حوزه صنایع غذایی است، ادامه داد: اگر صنایع سلولزی را به این رقم اضافه کنیم، ۶۵ درصد خواهد شد که نشان از اهمیت دانشگاه منابع طبیعی دارد.

لازمه ترویج کارآفرینی پیوند عمیق صنعت و دانشگاه است

رئیس دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان گفت: برای ایجاد اشتغال و کارآفرینی باید پیوند عمیق بین دانشگاه و صنعت شکل گیرد. به گزارش مهر، علی نجفی نژاد ظهر یکشنبه در مراسم افتتاحیه جشنواره سالانه علمی سمنو و محصولات بر پایه مالت، که در دانشگاه منابع طبیعی گرگان برگزار شد، اظهار کرد: یکی از مسائل بشر امروزه، مسأله تأمین غذا است. وی ادامه داد: در آینده نزدیک جهان شاهد ۹ میلیارد نفر خواهد بود و تأمین غذای این تعداد نیاز به برنامه‌ریزی دارد. نجفی نژاد با بیان این‌که بیش از ۹۰ درصد افزایش جمعیت متعلق به کشورهای در حال توسعه است، گفت: این امر نشان از فشار بر منابع داخلی این کشورها از جمله خاک، آب و غیره دارد. وی به تغییر اقلیم و مخاطره‌های زیست محیطی اشاره کرد و گفت: بهترین راه برای این‌که پیامدهای ناشی از فعالیت‌های مربوط به تأمین غذا کم شود، تحقیق و پژوهش است. نجفی نژاد با بیان این‌که با تحقیق و توسعه بحران‌ها کمتر شده، اظهار کرد: آمارها در کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد که هرچه سرمایه‌گذاری در این زمینه اتفاق بیفتد، میزان موفقیت بیشتر است. رئیس دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان بیان کرد: سیاست تبدیل و تغییر رویکرد دانشگاه از آموزش محوری به سمت کارآفرینی و خلق ثروت توسط وزارت علوم در دولت تدبیر و امید دنبال شده و دانشگاه ما به عنوان یک دانشگاه تخصصی در زمینه کشاورزی فعالیت‌های ارزنده‌ای انجام داده است. وی با بیان این‌که باید پیوند عمیق بین دانشگاه و صنعت شکل گیرد، ادامه داد: روش‌های گوناگونی برای این ارتباط وجود دارد که یکی از آن‌ها برگزاری این جشنواره‌ها است. نجفی نژاد افزود: این ارتباطات ظرفیت‌ها و توانمندی دانشگاه را معرفی کرده و اعتمادسازی به وجود می‌آورد. وی با بیان این‌که ما به دنبال عملیاتی کردن این رویکرد هستیم، تصریح کرد: در حوزه صنایع غذایی پایلوت پلانی را در حال ساخت داریم و نیازمند این هستیم که حوزه صنعت و سرمایه‌گذاران خصوصی در کنار ما قرار بگیرند. نجفی نژاد با بیان این‌که کارآفرینی را باید از دل دانشگاه شروع شود، ادامه داد: یافته‌ها باید با کمترین فاصله در اختیار صنعت قرار گیرد تا تجاری شود.

مجازات نهال کاری به جای زندان در گلستان

روزنامه شهروند با گستره توزیع کشوری در گزارشی به قلم سیما فراهانی مجازات جایگزین نهال کاری به جای تحمل زندان در گلستان را برجسته کرد. در شماره شنبه شهروند به قلم سیما فراهانی که با قاضی دادگستری شهرستان گالیکش گفتگو شده؛ آمده است: مجرمند و در چنگال قانون گرفتار شده‌اند اما مجازات‌هایشان کمی متفاوت است. قرار نیست حبس بکشند، در ازایش باید درخت بکارند؛ ۳۰ متهمی که تاوان جرمشان انجام خدمت برای جامعه است. به زندان نمی‌روند و با خلافکارهای دیگر آشنا نمی‌شوند، به‌خاطر یک جرم سبک، در میان مجرمان خطرناک و حرفه‌ای شب و روزشان را نمی‌گذرانند. عمرشان پشت میله‌های زندان تباه نمی‌شود و از خانواده‌هایشان دور نمی‌مانند. قانون به کمکشان آمده تا در ازای خدمت به جامعه از مجازات اصلی رها شوند. این ۳۰ مجرم با رأی قاضی شهرستان گالیکش به کاشت ۳ هزار درخت محکوم شده‌اند. حکمی که در آستانه روز درختکاری به اجرا درآمد و به اعتقاد قاضی پرونده و کارشناسان و فعالان حوزه محیط زیست، اثری بهتر و مفیدتر هم برای جامعه و هم برای طبیعت خواهد داشت. این در حالی است که قضات دیگری هم در شهرستان‌ها و استان‌های سراسر کشور احکامی این چنینی برای متخلفان زیست محیطی صادر کرده‌اند. چند وقت پیش بود که صاحب یک واحد خدماتی که شبانه ۳۴ اصله درخت را قطع کرده بود تا واحدهای خدماتی مربوطه برای خودروهای عبوری دید بهتری داشته باشد، از سوی قاضی دادگاه به کاشت ۶۸ درخت یعنی دو برابر تعداد درختان قطع شده، محکوم شد. آن هم در همان محلی که اقدام به تخریب درختان کرده بود. رئیس شعبه اول دادگاه کیفری ۲ شهرستان دنا نیز چندی پیش متهمی که ۶ اصله درخت بلوط استان کهگیلویه و بویراحمد را آتش زده بود، به کاشت و آبیاری ۲۰ اصله درخت جنگلی در محدوده نیم هکتاری در محل وقوع جرم یا در محل دیگر به تشخیص شاکی، محکوم کرده بود. طی این حکم متهم مکلف شده بود پس از کاشت، به مدت دوسال آبیاری و محافظت از این درخت‌ها را به‌طور مستمر انجام دهد، اما این نخستین بار است که یک قاضی ۳۰ مجرم را به کاشت ۳ هزار درخت محکوم کرده است. مجازاتی که به گفته خود قاضی؛ حتی بیشتر از این تعداد نیز است و طی یکسال و نیم چندین مجرم دیگر نیز به کاشت درخت محکوم شده‌اند که در کل آمار آن به ۱۰هزار نهال رسیده است.

حبس می‌تواند بار سنگینی داشته باشد

هادی هاشمیان، رئیس دادگستری کل گلستان در خصوص این پرونده‌ها گفت: محکومان ۳۰ پرونده شهرستان گالیکش به جای حبس، ۳ هزار و ۴۱۰ نهال در عرصه‌های منابع طبیعی، حاشیه جاده‌ها، فضای سبز شهری و مدارس منطقه غرس می‌کنند. اجرای آرای این افراد از ابتدای اسفند آغاز شده و قرار است تا آخر ماه جاری همه این نهال‌ها غرس شوند. بیشتر این پرونده‌ها مربوط به تصادف است که در بخش عمومی جرم، محکومان به جای زندان به کاشت درخت محکوم شده‌اند. در کل این آرا برای کسانی که جرایم سبک غیرعمد مرتکب شده و سابقه کیفری ندارند، صادر می‌شود. همچنین این طرح برای محکومانی اجرا می‌شود که سابقه قبلی نداشته و در جرایم عمد تا یکسال حبس و جرایم غیرعمد تا ۲ سال حبس محکوم شده‌اند. در واقع این احکام از چند ماه قبل صادر شده و چون امکان اجرای آن در ایام دیگر نیست، در این روزهای پایانی سال اجرا شده است. تاییدیه این احکام نیز تقریبا از دو ماه قبل آمده است. این چنین مجازات به خاطر این تعیین می‌شوند که مجرم به‌جای زندانی شدن، خدمتی به جامعه‌اش کرده باشد. چرا که حبس و زندانی شدن، برای خود مجرم و خانواده‌اش می‌تواند بار سنگینی داشته باشد و همین سابقه می‌تواند متهم را به ارتکاب جرم دوباره ترغیب کند و اثرات منفی در روحیه‌شان بگذارد به همین‌خاطر این حکم را صادر کردیم. از طرفی می‌خواستیم زندان‌زدایی کنیم تا آمار افراد زندانی پایین بیاید و زندان فقط برای افرادی که جرایم خشن انجام می‌دهند جا داشته باشد.

این احکام کمک زیادی به منابع طبیعی در گالیکش می‌کند

همچنین عموزاد، قاضی دادگاه کیفری گالیکش که این احکام را صادر کرده است، در توضیحات بیشتری در این‌باره به شهروند می‌گوید: یکسال و نیم است که در دادگاه کیفری به عنوان قاضی مشغول به کار شده‌ام. پیش از آن در دادسرا بودم و حکم صادر نمی‌کردم، اما از وقتی که کار قضاوت را آغاز کرده‌ام، چنین احکام جایگزین را زیاد صادر کرده‌ام. چرا که به اعتقاد من می‌تواند، جرم زدایی بالایی نسبت به مجازات اصلی یعنی همان حبس داشته باشد. در ابتدا که من گفتم باید این احکام جایگزین را زیاد کنیم، مخالفان بسیاری داشتم که معتقد بودند این احکام، مجرم را به ارتکاب جرم بیشتر ترغیب می‌کند چرا که می‌بینند، مجازات کمی در انتظارشان است، اما با اجرایی کردن چنین طرحی و صدور چندین حکم در طول این یکسال و نیم مشخص شد که چنین احکامی می‌توانند جنبه مثبت داشته باشند. اعتراض‌ها نسبت به این احکام بسیار کم بود و مجرم به‌طور واقعی تنبیه می‌شد. حتی کار مثبتی هم یاد می‌گرفت. در این مدت از این احکام زیاد صادر کرده‌ام. به‌طور مثال پزشکی که یک تخلف جزیی داشت، به‌ویزیت رایگان صد بیمار یتیم یا بدسرپرست محکوم شد. او به جای اعتراض، از این حکم استقبال هم کرد و آن را انجام داد. بنابراین به جای این که یک پزشک را زندانی کنیم و او را از خانواده‌اش دور کنیم و بار روانی سنگینی در او ایجاد کنیم، هم به صد بیمار یتیم یا بدسرپرست کمک کرده‌ایم و هم به خود پزشک؛ بنابراین صدور چنین احکامی بار بسیار مثبتی در جامعه خواهد داشت. او در ادامه صحبت‌هایش می‌گوید: در رابطه با درختکاری نیز، تنها این ۳۰ مجرم نبودند. بلکه مجرمان دیگری از یکسال پیش تاکنون به چنین مجازاتی محکوم شده‌اند. در کل تعداد نهال‌هایی که باید از سوی متهمان کاشته شود، به ۱۰هزار تا رسیده که حالا در فصل کاشت، درحال اجرا هستند. بیش از نیمی از این نهال‌ها نیز توسط متهمان در مناطق آسیب‌دیده جنگلی کاشته شده‌اند. از آنجایی هم که تعداد زیادی از جنگل‌های گالیکش به خاطر آتش‌سوزی آسیب جدی دیده‌اند، این کار می‌تواند به منابع طبیعی‌مان هم کمک بسیار زیادی کند. درباره اجرای این احکام نیز در ابتدا دادگستری متهمان را احضار و برای آنها زمان تعیین می‌کند. مجرم نیز باید ظرف مدت تعیین شده، نهال را تهیه کرده و آن را بکارد. از طرف دیگر با منابع طبیعی هم هماهنگ کرده‌ایم و آنها نیز نهال‌ها را در اختیار متهمان قرار می‌دهند. همچنین با توجه به اندازه جرم، بیشتر این متهمان، محکوم به نگهداری و آبیاری درخت‌هایی که می‌کارند، هستند. یعنی تقریبا تا دوسال باید به نهالی که کاشته‌اند سر بزنند و کار آبیاری را نیز انجام دهند. اکثر این مجازات‌ها نیز بدون اعتراض انجام می‌شوند، مگر این‌که مجرم توان مالی خرید نهال را نداشته باشد که در آن صورت اعتراض می‌کند و پس از آن درباره وی تصمیم گرفته می‌شود. اگر هم مجازات خود را انجام ندهند، باید بلافاصله به زندان بروند و دوره حبس خود را بگذرانند. برای همین به‌طور معمول مجرم هیچ اعتراضی نمی‌کند و اتفاقا استقبال هم می‌کند. هزینه یک نهال جنگلی ۲هزار تومان و یک نهال چناری خارج از شهر نیز ۷هزار تومان است که این نهال‌ها به‌صورت تفکیک شده و به نسبت جرم متهمان، برای آنها تعیین می‌شود. در کل آمارها نیز نشان از آن دارد که چنین احکامی تاثیرات مثبتی در کاهش وقوع جرم و انجام خدمات مفید در جامعه و همچنین تنبیه شدن و بار روانی مثبت در خود فرد و خانواده‌اش داشته است.

تمام جاده های روستایی شهرستان آزادشهر آسفالت است

رییس اداره راه و شهرسازی شهرستان آزادشهر گفت: در دو بخش مرکزی و چشمه ساران شهرستان آزادشهر ۴۹ روستاوجود دارد که تمام این روستاها از یک جاده آسفالت برای تردد راحت برخوردار هستند. امان محمد باشقره در گفتگو با ایرنا با اشاره به وضعیت جاده های سیل زده افزود: در سیلاب های مرداد ماه برخی از راه ها و ابنیه شهرستان دچار خرابی هایی شده است که با مشاهدات میدانی هزینه ترمیم آن بالغ بر ۵۰ میلیارد ریال برآورد و گزارش لازم برای تخصیص بودجه لازم به فرمانداری شهرستان ارائه شده است. وی با اشاره به فعالیت های عمرانی انجام شده بیان کرد: در سال ۹۵ بیشترین تمرکز برای بالا بردن سطح کیفی جاده های روستایی گذاشته شد و در این راستا می توان به ترمیم ابنیه و بهسازی جاده های تیل آباد به کاشیدار و راه روستایی وطن به نرگس چال با اعتبار سه میلیارد و ۸۷۰ میلیون ریال اشاره نمود. وی افزود: احداث ابنیه فنی در محور روستای قورچای به تاتار علیا (احداث پل باکسی ۳ متری) با اعتبار یک میلیارد و ۶۳ میلیون ریال در ادامه همین فعالیت هاصورت پذیرفت. رییس اداره راه و شهرسازی شهرستان آزادشهر گفت: این اداره در امور شهری هم فعالیت های پر رنگی داشته و می توان به محوطه سازی و دیوار کشی بطول ۱۱۵۰ متر برای مسکن مهر آزادشهر و همچنین راه اندازی کلیه آسانسورهای فاز سوم مسکن مهر این شهرستان اشاره کرد. باشقره گفت: برای حل مشکل آب شرب مسکن مهر نیز این اداره با واگذاری یک قطعه زمین به مساحت بیش از یک هزار متر مربع به اداره آب و فاضلاب آزادشهر کمک شایان توجهی نمود. رییس اداره راه و شهرسازی آزادشهر با اشاره به اهمیت جاده مواصلاتی آزادشهر به خوش ییلاق خاطرنشان کرد: بهسازی محور آزادشهر به خوش ییلاق به دلیل ترافیک بالا در مهمترین راه ارتباطی استان گلستان و کریدور ارتباطی شمال به جنوب که معبر ترانزیت خارجی نیز می باشد با هدف افزایش ایمنی و کاهش تصادفات در حال انجام است.

» آگهی‌های ثبتی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۶۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۲۴۵۸ مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۳۰ در کلاسه پرونده ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۰۸۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی کردکوی تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای سید الیاس حسینی فرزند سید مهدی بشماره شناسنامه ۱۲۶ و کد ملی ۲۲۴۹۴۴۹۰۱۵ صادره کردکوی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی که مقدار ۱۰۰ سهم مشاع از ۸۶۴ سهم ششدانگ عرصه وقف عام است به مساحت ۱۴۲۵ متر مربع پلاک باقیمانده ۲ اصلی واقع در گلستان بخش ۲ حوزه ثبت کردکوی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و بعد از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند صادر خواهد شد.

عبدالرحمن ایری – کفیل ثبت اسناد و املاک کردکوی – م.الف – ۸۷۱۸
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۶/۱۲/۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۶/۱۲/۲۱

اصلاحیه آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مربوط به شرکت بهین تلیسه گلستان

برابر رأی شماره ۱۳۹۶۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۲۱۶۴ مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۷ در کلاسه پرونده ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۰۵۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی کردکوی تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی شرکت بهین تلیسه گلستان به شماره ثبت ۴۰ و شناسه ملی ۱۰۷۰۰۰۰۵۳۶۵ در ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۱۹۱۰۰ متر مربع که مقدار ۱۱/۳۵ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم ششدانگ عرصه وقف عام است پلاک باقیمانده ۹۱ اصلی واقع در گلستان بخش ۲ حوزه ثبت کردکوی محرز گردیده است. لذا به استناد ماده ۳ قانون فوق مراتب در یک نوبت جهت اطلاع عموم در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار و محلی آگهی می شود و از این رو در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و بعد از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند صادر خواهد شد.

عبدالرحمن ایری – کفیل ثبت اسناد و املاک کردکوی – م.الف – ۸۶۹۵
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۶/۱۲/۲۱

www.golshanemehr.ir
نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر

خبر

کاهش اعتبارات فرهنگی گلستان

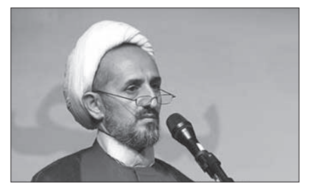

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان گفت: امسال شاهد کاهش ۷۵ درصدی اعتبارات در اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان بودیم اما این باعث نشد فعالیت‌ها متوقف و یا کم شود. به گزارش مهر، حجت‌الاسلام علی‌اصغر فضیلت، شامگاه شنبه در اختتامیه جشنواره موسیقی آوای فجر گلستان، اظهار کرد: در این دوره از جشنواره شاهد برگزاری ۴۰ اجرا موسیقی صحنه‌ای و میدانی بودیم. وی افزود: امسال شاهد کاهش ۷۵ درصدی اعتبارات در اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان بودیم اما این باعث نشد فعالیت‌ها متوقف و یا کم شود. مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان گفت: جشنواره موسیقی آوا فجر گلستان به دلیل ترافیک برنامه‌های فرهنگی در ایام دهه فجر برگزار نشد و در دهه سوم اسفندماه اجرا شد. وی یادآور شد: امید است در جامعه فرهنگی و هنری با عبور از مشکلات فرارو و غنیمت شمردن حضور نسل جوان از سوی پیشکسوتان بتوانیم شکاف‌های ایجادشده را پر کنیم و فضای همدلی را در عرصه فرهنگ و هنر استان رقم بزنیم. وی تصریح کرد: توجه به هنرمندان بومی و بسترسازی برای شکوفایی استعدادهای استان در قالب تجلیل از اهداف این جشنواره محسوب می‌شود. فضیلت درباره فعالیت ۶ ماهه انجمن موسیقی استان، اظهار کرد: قرار است با تشکیل شورای سیاست‌گذاری موسیقی استان در راستای توسعه و تعالی از همه ظرفیت‌ها استفاده کنیم. وی افزود: در جشنواره سال آینده از قالب‌های قبلی و فعلی فاصله خواهیم گرفت و از دل اجراهای عمومی که در سطح استان برگزار خواهد شد جشنواره رقم می‌خورد. مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان گفت: ساماندهی در حوزه آموزش موسیقی یکی دیگر از رویکردهای اداره کل در سال ۹۷ خواهد بود.

کارگاه آموزشی فضای مجازی در خانه فرهنگ اندیشه گرگان برگزار شد

کارگاه آموزشی فضای مجازی، آسیب ها و راهکارها با موضوع آموزش صحیح استفاده از فضای مجازی، با همکاری سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری گرگان در خانه فرهنگ اندیشه برگزار شد. به گزارش مهر به نقل از سازمان فرهنگی، ورزشی و اجتماعی شهرداری گرگان، کارگاه آموزشی فضای مجازی آسیب ها و راهکارها با موضوع آموزش صحیح استفاده از فضای مجازی با موضوع آموزش صحیح استفاده از فضای مجازی با همکاری هنرستان تلاش توسط خانه فرهنگ اندیشه برگزار گردید. کارشناس حاضر در این کارگاه با بیان اینکه بی اطلاعی از نحوه استفاده درست از فضای مجازی باعث دوری فرزندان از مولفه‌های دینی، تربیتی و فرهنگی شده است.

مناقصه
شرکت توسعه کشت دانه های روغنی در نظر دارد
مقدار ۳۰ هزار تن دانه کلزا(فله) در سطح شهرستان های گرگان، بندرگز، کردکوی، علی آباد، آق قلا، بندرترکمن در ۱۳ انبار بارگیری و تخلیه نماید. علاقمندان جهت شرکت در مناقصه قیمت پیشنهادی خود را برای هر تن دانه کتباً به آدرس ذیل حداکثر تا مورخه ۹۶/۱۲/۲۴ ارسال نمایند.
آدرس: گرگان،
کیلومتر ۵ جاده گرگان – ساری
شرکت دانه های روغنی
شماره تماس: ۰۱۷۳۲۴۵۵۰۷۹

به یاد دهخدا

حسین عبدالوند ـ «وصیت نامه مرحوم میرزا جهانگیر را که بنا بود به شعر بسازم، تمام کرده ام_حاضر است. به نظر خودم تقریبا در ردیف اول شعرهای اروپایی است. اگرچه دختری را که ننش تعریف کنند برای دائیش خوب است.»
(نامه ی دهخدا به معاضدالسلطنه)

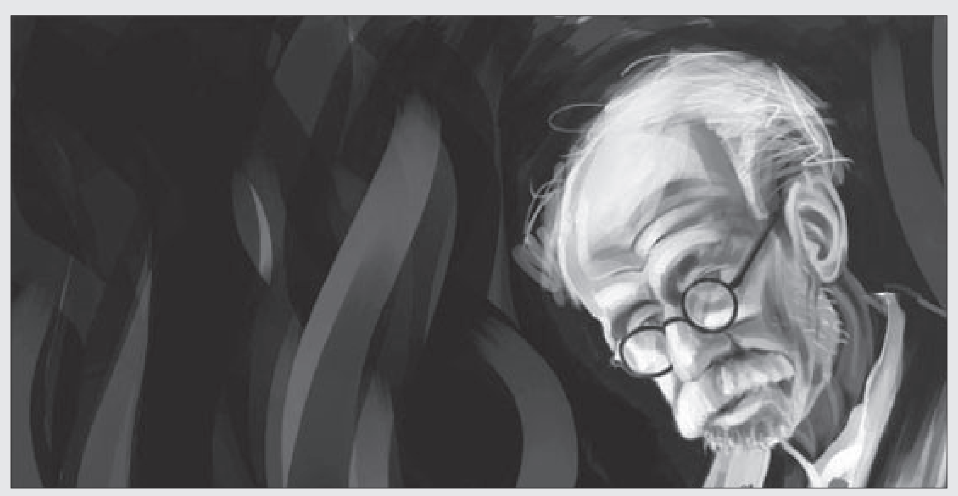

این نامه حدیث همان شعر معروف است:
یادآر ز شمع مرده یاد آر_که دهخدا در شماره آخر به صوراسرافیل یعنی مرحوم میرزا جهانگیرخان شیرازی تقدیم می کند و درصوراسرافیل چاپ می کند. وقتی سراغ دهخدا می رویم، سراغ چهره ای یگانه رفته ایم. از دهخدا بسیار گفته اند و به حق گفته اند. مردی بزرگ و تاثیر گذار در ادبیات و فرهنگ . ادوارد براون و یان ریپکا وسعید نفیسی و ایرج افشار و باقر مومنی و ...این سالها هم ولی الله درودیان، ستایشش کرده اند. اگر بنا باشد در یادداشتی از او بگویم ،هرچند کم و نارس، در چند عبارت می گویم

۱_دهخدا را با صور اسرافیل می شناسیم. اولین شماره ی روزنامه ی صور اسرافیل ،ربیع الاول ۱۳۲۵ق. منتشر شد. میرزا جهانگیر خان شیرازی به عنوان مدیر و میرزا قاسم خان تبریزی به عنوان سرمایه گذار وارد می شوند. نام میرزا علی اکبرخان قزوینی دهخدا بنا به قول ایرج افشار از شماره ی ۱۵ وارد روزنامه می شود. اما ایرج افشار با استناد به گفته های سیدحسن تقی زاده ،معتقد می شود که دهخدا از ابتدای روزنامه حاضر بوده است. صوراسرافیل تا جمادی الاول ۱۳۲۶ سی و دو شماره می شود. و همزمان با به توپ بستن مجلس ،تعطیل می شود و میرزا جهانگیر خان اعدام می شود و دهخدا با تقی زاده در سفارت انگلیس تحصن می کنند و سپس به اروپا می روند. قاسم خان هم بعدتر در آنجا به آنها می پیوندد و سه شماره دیگر از صوراسرافیل را چاپ می کنند. که جمعا ۳۵ شماره می شود. قصدم گفتن تاریخ صوراسرافیل یا مشروطه نیست، بلکه رسیدن و پرداختن به علامه دهخداست. بی تردید درصد زیادی از محبوبیت و تمایز صوراسرافیل ،به خاطر حضور دهخدا بود. او متاثر از جریانات سیاسی و اجتماعی ،مطالب و مقالات در خوری نوشت. از شماره های نخست صریح و جدی مقالات تندی نوشت. به طنز هم سلسله ای را با عنوان «چرند و پرند»در نشریه به نگارش درآورد. چرند و پرند به تنهایی صوراسرافیل را محبوب کرد.. و دهخدا به عنوان ستون اصلی روزنامه معرفی شد. در واقع نشریات زیادی مقالات جدی و قابل تأمل داشتند و صور اسرافیل در اینگونه مطالب چیز بیشتری از نشریاتی، مثل: کاوه و ایرانشهر و دبستان و اصول تعلیم و ... نداشت. اما به گفته ای هیچ کدام تیراژ چهل هزار تایی صوراسرافیل را نداشتند و دلیل آن هم حضور دهخدا و نوشته هایی به نام چرند و پرند بود.

۲_طنز دهخدا روزنامه نگاری را متحول کرد و دهخدا با آن نثر درخشان تاثیر زیادی در روند روزنامه نگاری و مهم تر داستان نویسی فارسی گذاشت. هرچند بعدتر نقش جمالزاده را هم نمی شود منکر شد که «فارسی شکر است » را در نشریه کاوه منتشر کرد. اما این روند از دهخدا و چرند و پرند آغاز شد. دهخدا نثر جالبی دارد، درست مثل نثر محمد قزوینی دوست و همکارش، که به قول افشار با تعبیرات خاص و نکته آمیز مشخص بود. این شوخگن بودن و از ان مهم تر نوع استفاده دهخدا از جملات مرکب و ساخت نحوی تو در تو و استحاله ی پیوندهای نحوی و زمانی و زبانی و در نهایت رسیدن به روابط علی و معلولی در نثر و درداستان نویسی ما دیده نشد و تا اکنون به عنوان یک پیشنهاد در داستان ما بررسی نشده است. این تحول نثری، که نثر ترسلی به نثر روزنامه نگاری می رسد، از خصایص دهخداست.

۳دهخدا چهره ای سیاسی نبود، همگان به این نکته واقفند. او ادیب و زبان دان نابغه ای بود. درست که او در مقالاتش و به خصوص در سه شماره ی انتهایی صور اسرافیل ،تندتر از همیشه به استبداد و گروه های متحجر در سیاست آنروز ایران می تازد، اما در کل او چهره ای ادیب از خود نشان می دهد.. او در دوره ی رضاخان به لغت نامه و امثال و حکم می پردازد. و از امور سیاسی دست می کشد. او وقتی به ایران باز می گردد، فیش برداری هایش را از متون و دانسته هایش آغاز می کند تا لغت نامه را به ثبت برساند. نباید فراموش کرد دهخدا هم مانند بسیاری از اهالی قلم در سالهای مشروطه و مشروطه خواهی ،با ادبیات غرب به خصوص فرانسه آشنایی دارد و به قولی مسلح ،شبیه بسیاری از همسلکانش وارد جریان آگاهی دادن و فعالیت روزنامه نگاری می شود. هرچند که ماجرای صور اسرافیل با دیگر نشریات متفاوت است. آنها از همان شماره ی نخست، که اهداف خود را بیان می کنند و در پی «تکمیل معنی مشروطیت» هستند، ثبات و استواری خود را حفظ می کنند. از بحث دور نشویم، گفتیم دهخدا در دوره ی رضاخان به لغت نامه می رسد تا سال ۱۳۱۹ که اولین جلد لغت نامه چاپ می شود. کسانی هم از اهل ادب کنار او تا آخرین روز همکاری می کنند .

جبهه ی ملی ۱۳۲۴ پیشنهاد می دهد که کار لغت نامه ادامه یابد و...

لغت نامه منبع درخشان ادب فارسی ست. اشعار و مثل ها و عبارات عامیانه و گستردگی لغات، نشان از هوش زبانی دهخدا دارد. با لغت نامه، یک دوره ی کامل دستور زبان فارسی در دسترس ماست. با لغت نامه بی شک لغت نامه های پیشین از لغت فرس و اصطلاحات الشعرا و شمس اللغات و بهار عجم و برهان قاطع و.. که از خوبان لغت هستند را مرور می کنیم.

حرف آخر اینکه دهخدا نابغه ی نزدیک به ماست، باید اورا خواند و شناخت. از نگاه آیرونیک او در چرند و پرند، تا گستره ی مطالعاتی اش در حوزه ی فرهنگ رسمی عامیانه، در لغت نامه و امثال و حکم..

ابتکار دهخدا

سارا سعیدی

برای نوشتن از دهخدا اینکه او را با چرند و پرندش و امثال و حکم و لغت نامه اش گرامی بداری کار ویکی پدیا و اینترنت و تحقیق مدرسه ای و دانشگاهی و ...است. یک مقایسه ای بین داستان کوتاه «فارسی شکر است «جمالزاده و «دمدمی» از چرند و پرند دهخدا به نظرم رسید که میتواند شروع بحث دامنه دار و طولانی تری هم باشد ، خواستم ازین مقایسه بیشتر تاکید بر استفاده از امکانات فرم گزارشی و ساختار خبر و روزنامه در داستان است کاری که در داستانها و رمانهای بزرگ دنیا هم اتفاق افتاده است در داستان جمالزاده راوی از یک جایی ایستاده و روایت میکند که بالاتر و تندرست تر(نقش عقل) از بقیه افراد اطرافش در داستان است. خواست جمال اده داستان ساختن و تعریف ان است داستانی که اعتراضی و در قالب طنز است طنز داستان با حماقتهای اطرافیانش شکل میگیرد . او دانای همه ی موقعیتهای پیش رویش است : عربی میداند پس میفهمد شیخ در جواب آن جوان چه میگوید ...فرانسه میداند پس میفهمد که فرنگی مآب چه میگوید ...استعاره ها علاوه بر لحن (به معنای جمالزاده ای آن)کاملا مطابق و همخوان شرایط هر کدام از شخصیتها هستن و این را چون راوی گوینده اول شخص اجرا میکند ، آن دانایی و همه چیزدانی را تقویت میکند. در کار جمالزاده اینکه مطابق و فراخور موقعیت شخصیتها ، توصیفات راوی از ایشان نیز در کلام و جمله ها تغییر میکند ،این تغییر لحن اما به جای آنکه به سمت و فایده تنوع زبان در متن بینجامد و در نتیجه مفهوم تازه ازآن بسازد، بار کنایی موقعیتها و شخصیتها را چاق کرده ، مثل اینکه از آنها به اصطلاح تیپ ساخته. دهخدا اما با انتخاب ساختار روزنامه نویسی، کوتاه گزارشی، خبر رسانی، تهییج، تعلیق و ...هم تاثیر بیشتری را درخواست دارد و هم درین خواسته موفق است.(شما به اینها طنز را اضافه کن) لحن دهخدا در فراوانی و تنوع انتخاب واژگانی جمالزاده را ندارد، موضوعیتی در گزارش نویسیش ندارد(در لغت دانی دهخدا کی شک دارد؟) از موضع»ما» حوادث و رخدادها گفته میشود، مثل یکجور مد و تریپ گفتن زمانه اش، اما نه آن طمطراق را دارد که در «فارسی شکر است « به تفرعن و نفرت پهلو میزند، نه آن دعوی همه چیزدانی. در وضعیت و موقعیت خبر رسانی که دهخدا انتخاب میکند، کوتاهترین و دم دستی ترین عبارات کفایت میکند ، پس از «دمدمی»شخصیتی که دخو رو مجبور به تاسیس روزنامه میکند و بعد از سر ترس او را ملامت، صرفا انتخاب اسم کنایی «دمدمی»کافیست با اینکه او خم به شدت تیپ است چون دهخدا در موضع پاسخگویی به او است (گفتگو). برای جمالزاده داستان نویسی کاری دیگریست و تمنای دیگری. هر دو متنی اعتراضی مینویسند نسبت به وضعیت موجود زمانه خود در قالب طنز اما گزارش های دهخدا، تیزهوشی در انتخاب فرم ، او را به نویسنده ای جذاب تر و به قولی کاردرست تبدیل کرده. در همین داستان «دمدمی» چندین خبر حساس و تنش آفرین روز را در کلیت عدم امنیت خبرنگاران و روزنامه چی ها و با تکرار موقعیت «نه هرگز نخواهم گفت که...» شاکله میبخشد .

در پایان میخواهم بنویسم شاید، شاید یکی از آفات داستان و رمان نویسی امروز در زبان فارسی چاق و انبوه کردن مفاهیم از پیش موجود با استعاره ها و کنایه های چند پهلو و مرده باشد . یکی از رویکردهای مفید در برابر این اتفاق میتواند گزارش نویسی باشد(که البته کار جدیدی نیست)با پیشنهاد / ساخت مفاهیم جدید و دقت بخشیدن به تعابیر و با سلب و نکره کردن از وضعیتهای پیشینش، اینطوری شاید فرهنگ لغت زبان فارسی به چند نمونه متعلق به سالهای سال پیش محدود نشود.

روحشان شاد.یادشان جاوید مردان و زنان بزرگی چون دخو...

علیه نقد علیه تفسیر

واکاوی شعری از مازیار عارفانی

خسرو بنایی – «شعر» خواستم باران را ببینم « از مازیار عارفانی که سطر اولش می تواند پیشنهاد برای عنوان شعر باشد چرا که گاه نامیدن معرف انرژیک شعر می شود نه مصادر فرم کلی آن در اجرا. که این نگاهی متورم از شهر و شاعرانگی ست که در هم رفته اند. چرا که هر جای شهر را بگیری شهر از همان جا آغاز می شود. وقتی شعری با گزاره هاو شگرد فانتزی پیش می رود و فانتزی را به مثابه نقد احضار می کند. اما در هر دریافت دو نوع کنش یعنی حسی و ادارکی با هم کار می کند . گاهی ادراک شاعرانه و حتی غیر شاعرانه از هر شعر نوعی عکس العمل را در عمل خوانش می سازد که درنوعی تحلیلی اش کیفیت غیر شاعرانه را به اطوار تفسیری تقلیل می دهد که در قصد و غرض آن شعر مفروض هم نیست . گاهی ما قدرت تاثیر شعر را در واکنش زبانی ،خوب یا عالی می دانیم و این زمانی ست که در واکنش اولیه ، شعردر وجه ترجمه ناپذیری روی ادراک حسی می افتد . ما هرگز نمی توانیم واکنش شاعر را از کنش و خواست بارانی اش جدا کنیم و در شعراش مشارکت عاطفی را در وهله اول با تاثیرات تک ساحتی بیان کنیم وبعد سعی کنیم حدود و سغورش را در تحلیل به وسعتی ادراکی برسانیم . یعنی شعر در چنین وضعی از مرحله تاثرحسی به پروسه ادراکی فراروی می کند .در چنین مواقع شعر را تابع دقت نظر می کنیم کاری که من آن را نوعی تهاجم عقل خود مختار بر شعردر بیرون قلمرو اش می دانم. وحتی نقد در نجیبانه ترین تهاجم یک انحراف از مقصود خویش به نظر می رسد یعنی بیرون کشیدن شعر از لاک وفرم خویش .بعید می دانم ما که همچنان شعر می خوانیم و فکر می کنیم شعر نیازمند ترجمه وفهم پذیری است . اما شعر نیاز مند به فهم هم نیست چرا که استراتژی ازلی شعر ، فهم را مخدوش می کند تا حالت ساختگی و انتزاعی اش را به واقعیت زبان بدل کند .همان زبان که از امر آشنا دائمن انتقام می گیرد تا آلترناتیوی از فضای متمرد اش باشد. این شعرمازیار عارفانی با تغزلی آیرونیک از وجهی اندوهبار و پرتپش برخوردارد است . بر آمده از شهراست و با تمام نا کامی های کمیت پذیراش که رشد می کند و هیولایی می شود که بتوان با آن یکجا به معاشقه پرداخت. این زبان این فرم بسیط با سطرهای حساب نشده و نادقیق اش با عبارتبندی گاه حجیم اش با جمله بندیها کوتاه و بلند و نفس گیرش اندام همان شهر بی ریخت اما به شدت لمس شدنی اش را عینیت مند می کند .بین یاد آوری و فراموشی وتمام ورطه محاسبه ناپذیرش . وقتی فراموشی و به یاد آوردن را بدل به ابژه ای خوفناک می کند.درجایی که شعر خودش شارح خودش است نمی توان حاشیه نوشت .زبان مثل ماده لزجی ست که در تمام حفره ها پا نگذاشته و نادیده فرو می رود .از خواست دیدن باران شروع ویا یاد آوردن نام و به فرزندی قبول کردن یوسف با کارخانه ها حرف زدن و صدا دار کردن ایمان و شهوت و ابدیت و و جیغ ها ... فضا در شعر در وسعت اش به طنین درمی آیدو بدل به تجربه عام می شود . اینکه جیغ ها رشد کنند واینکه روزی دوباره ایمان و شهوت و ابدیت و روزی دو باره پدر ان و مادران رشد کنند .

این متن شوخ طبع است و اما جدی حرف می زند احساس می کنیم فیلسوفی خیابانی ست با لباس وکفش اسپورت اما او شاعر است می داند چگونه عصیان اش را زیر آسمان بارانی منتشر کند. و مثل باران که این بار بیشتر از زمین به آسمان می بارد و شاعر نه با سر متافیزیکی که با زبان استخوان روان اش حرف می زند . شعر افشا گر است و چون افشا می کند سیاسی است اما سیاستی که برملا کننده است واختیار همه چیز را دارد و قدرت بیان دارد که چگونه بیان کند آنچه بیانمند نیست نه حدی دارد نه محدوده ای از هر آنچه در چشمنداز است و هر آنچه در لایه های پیشداوری و ناشنیده ها محدودیت زاست . قدم زدن زیر باران لاینتهاهی .همانگونه که بالانشو در مورد ساد می گوید :«او کسی ست که بهتر از هر کسی آزادی را می فهمد ، می فهمد آزادی همان دقایقه ای است که نامعقول ترین شور مندی ها می توانند به واقعیت سیاسی بدل شوند.»

می گوید چیزی از دوست داشتن در من نمانده است
باید عربده بکشی و از تماشای درونم حذر کنی
باید از تیمارستانم دل بکنی و
بیافتی و در آغوش پرستارتری
و بخواهی باران را ببینی

و به تو که ایستادی وسط این شهر و مثل یک مرد ، سنگسار شدی و زنده برگشتی ...و آنکه باران را می بیند و آنکه به رشد همه چیز فکر می کند همه این ها صداهای بی نام و صدا های بی چهره گان و سایه های بی وضوح اند که نه اندام شان و نه روایت شان یکپارچه نیست ویک تکینگی بی همتا دارد وبا طنینی در لحن خودرا وسعت دهد و فراموشی ها را موکد می کند .صدا دادن به فرا واقعیتی که از مازاد واقعیت می ریزد. انگار فقط با سخن گفتن و گاه با نامیدن یک اسم با نام یوسف ، استعاره در فراگیری اش بدل به اسمی از اسامی می شود تا ماده و تاریخ و خاطره و شهر دریک اختلاط ضدفاشیستی از همگرایی و عدم تطابق ، بین به یاد آوردن و فراموشی و اعتراض به هر دوی آنها بدل شود .و انگار هیچ واقعیتی در تملک شاعر نیست حتی نمی داند به سطرهای ماقبل اش چه بگوید . و این همان جبر هایی ست که واقعیت را جعل کرده اند . وجعل واقعیت است که علیه خودواقعیت قیام می کند. انگار واقعیت هگلی به حقیقت بدل نمی شود. و هی دائمن واقعیت ها برهنه می شوند وآنوقت به قول پست مدرن ها بدبختی های ما به بزرگی آزادی ما رشد می کنند.

(...و به کارخانه گفتم
و به ریل گفتم
و به نقاله گفتم روزی دوباره روزی دوباره روزی دوباره موهای ما رشد می‌کند؛ و روزی دوباره ناخن‌های ما رشد می‌کند؛ و روزی دوباره روزی دوباره انگشت‌های ما رشد می‌کند؛ و روزی دوباره روزی دوباره جیغ‌های ما رشد می‌کند؛ و روزی دوباره شهوت ما؛ و روزی دوباره ایمان ما؛ و روزی دوباره ابدیت، و روزی دوباره پدران و مادران ما رشد می‌کنند؛ و خداوند رشد می‌کند؛ و ما آنوقت به روزی دوباره چه داریم بگوییم؟...)

این شعر در عین حال که اعتراف گونه است اما به شدت علیه هر گونه محافظه کاری است .دغدغه احضار و انبوه کلمات را داردو وسواس بیان افعال تکراری ، معذب اش نمی کند . در زمانه که شعر برحلاف دشمناش که می گویند قادر به تصرف شهر نیست بارخنه در آناتومی شهر درآن دخل و تصرف خودش را دارد . شعر هم با ساخت و پوست اندازی شهر وجه انتزاعی پیدا کرده . هر کدام مسیر خودشون را می روند .اما شهر هیولایی ست که قدرت بلعندگی دارد . هر خلاقیت را به درون خودش می کشاند .چه چیز بی همتا تر از دسترس نبودن خلاقیتی که از دسترس دور است و در کالایی شدن تجسد نمی یابد. شعر پاشنه آشیل شهر است همان تفرد و مقاومتی که نمی خواهد ذره ای و ملکولی و درازدحام مترو و خیابان و محل کسب و کار باشد و با فاصله گذاری همچون خوابی آشفته هر شب ، اضطراب ناشی از شهر را مسخره کند.

شعر

شعری از حبیب ا... سفریان

بهار عاشقان

فصل گل
ناله هزار
آمده بهار ای عاشقان
طرف چمن بستان شود
از شوق گل آمد هزار
تا مرغ جان پّران شود
صبح و نسیم می وزید
رنگ خزان می رسید
قمری بشاخه می پرید
هزار سینه می درید
صفیر ناله ی هزار
تندر ابر می تنید
ناله عاشقان زار
قلب هزار می تپید
کز لب یار می گسار
چشمه زده در کوهسار
از سر هر شاخ و بنی
خیمه زده هزار و سار
چون عاشقان فصل گلست
نوروزتان بابلبلست
ای مطربان بشنو سماح عاشقان
طبل و دهل ساز دلست.

شعری از آفاق شوهانی

از روی بعد
ناگهان زمین افتاد
بدجوری
گنجشکی که اتصال من
گیج‌اش کرده بود
از انگشت‌هایم هزار ولت
برق می‌زد
بر اعصاب کلافه‌ی عصرش
باور نداشت یک روز بهاری‌ست
هی گیج می‌زد اتوبان دور اندام بادکرده‌ی زن
آدامس اشی مشی می‌جوید بالن بالن
این هوا می‌کرد
آقا! آقایان!
سفر یک روزه به ماه
من تمام تماس‌های تله‌پاتی رادارهایم با دو
شماره به رگ‌هایم وصل می‌شوید
سری به بزرگی یکی از بعدازظهرهای شما
برنمی‌دارم
با تأسف گفت:
زنگ‌ها و مردک‌ها برای که به صدا در می‌آیند؟
سرآستین تکاندم و برقع انداختم
کناره‌ی تراس یخ بود بر سایه‌لیس دیوار تن
کشیدم
پنج نفر بودند
چگونه در روده‌ی من کوکتل مولوی‌تُف
می‌چپاندند؟
می‌چپیدند و بی‌شرمانه «زنده باد آفاق»
می‌گفتند
انگشت‌هایم را به سمت‌شان گشودم
کلمات‌شان را به آتش کشیدم
و برگشتم دوباره ماه ببینم
آویخته از انگشت اشی مشی معصوم و بی‌صدا
انگشت‌می‌جوید
گفتم: ماهی که شما باشی بروم رفتنت را

شعری از لیلا محمودنیا

شب بی تو از هر حادثه
رد شد
یک زن ک تنها بود و
افسرده
یک زن که از جنس نبودن
هاش
از هر که حتی خود لگد خورده
یک زن شبیه من ولی از دور
پیوسته شاید از خودش بیزار
رویای عطر آگین منفورش
بس کن، شبی دست از سرش بردار
از پاره ی پیراهن یوسف
تنها زلیخا سایه میسازد
بغضی ک بعد از سالیان سال
از سایه ها همسایه میسازد
این سایه ها همبسترش بودند
همسایه از حالش خبر دارد
از هرزگی های خودش میگفت
این سایه بر حالش اثر دارد
نوری شده یک زن که میتابد
بر پشت مردی روبه یک دنیا
بغضش پر از دلبستگی هایش
این سایه حالا میرود تنها .

اولیس

شعری از عدنان الصائغ
ترجمه محبوبه افشاری

روی پل مالمو
فرات را دیدم که دست فرازآورده
و مرا با خود می برد
پرسیدم به کجا؟
در رویا بودم هنوز
که دیدم سربازان اُمیه
از هر سو محاصره ام کرده اند
بدرود پنجره های سرزمین ویران
بدرود شاخه های خرمابُن که
هواپیماها از آن سبز کدر جدایشان کرده‌اند
بدرود تنور مادرم
بدرود تاریخ زنگ زده بر روزنه ها
بدرود آنکه بعدها و را در دست ها جا خواهیم گذاشت
بدرود
رها خواهیم کرد وطن تلخ مان را
اما به کجا؟
تلخ تر خواهد بود هر تبعیدگاهی
دیگر چیزی نمانده
از نخلهایی که سایه می انداختند بر من
شاخه هایش
جز سکوهای رنگ پریده
دیگر چیزی بر جای نمانده
و چوبه های دار که به گردن های آرزومندمان خیره است
و فرات که با دردهایش مرا غسل تعمید داده
هنوز از ناله های روستای حیران اندوهگین است
آه... اولیس
ای کاش اکنون نمی رسیدی
ای کاش راه مالمو طولانی تر بود
طولانی تر
طولانی تر
طولانی تر
....
ای غریبه ای که یک لحظه ی شاد نداشته ای
چگونه تبعید بدل به زندانی بدون میله می شود

رویایی در حصار رویا

شعری از ادگار آلن پو
ترجمه سارا کسری نیا

این بوسه را بر پیشانی‌ات می‌نشانم!
هم‌اینک، به هنگام رهسپار شدنت
بگذار تا بدین گونه پیمان ببندم–
تو در اشتباه نبودی که می‌پنداشتی
روزهایم به سان رویا بوده است؛
اگر که هنوز در شباهنگام، یا به گاهِ روز
میان خواب و رویا، یا با هیچ‌یک از این‌ها
اندک امیدی باقی نیست
پس آیا ناچیزتر از آرزویی بر باد رفته است؟
با تمام آن‌چه که می‌بینیم یا می‌پنداریم
تنها رویایی است در حصار رویا.
من در قلب این هیاهویم
ایستاده میان امواج بلا، در میانه ساحل،
و ذره‌های طلایی رنگ شن‌ها را
در دست می‌فشارم–
چه اندکند! چگونه است
که از میان سرانگشتانم به عمق می‌خزند
در آن‌هنگام که می‌گریم، می‌گریم!
آه خدای من! آیا نمی‌توانم ذره‌ها را
تنگ‌تر در مشت خویش بفشارم؟
آه ای خدا! آیا نمی‌توانم دانه‌ای را
از دل امواج بی‌امان برهانم؟
با تمام آن‌چه که می‌بینیم یا می‌پنداریم
آیا تنها رویایی است در حصار رویا؟

گلشن مهر
۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶